

## تأملی در جواز و عدم جواز «سب»

### دشمنان اهل بیت علیهم السلام \*

[حمید سعادت<sup>۱</sup>]

#### چکیده

«سب» یکی از شیوه‌های ابراز تبری و بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است؛ این پژوهش به بررسی جواز و عدم جواز سب می‌پردازد. از بررسی ادله قرآنی و روایی، جواز و مشروعیت، بلکه رجحان سب دشمنان اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید. علاوه بر این، سیره عملی معصومان در سب دشمنانشان، از تعداد قابل توجهی از روایات استفاده می‌شود. از نتایج این پژوهش این است که سب مفهومی عام دارد که هرگونه تحقیر و تنقیص لفظی که عرف تشخیص دهد را شامل می‌شود، اما در عین حال با «فحش» تفاوت دارد.

ناگفته نماند که این شیوه ابراز تبری، مانند برخی دیگر از روش‌های آن - مثل لعن - در مقام تقیه جایز نیست. در تحقیق حاضر، مسئله سب دشمنان اهل بیت علیهم السلام مورد بررسی قرار گرفته است و تقیه و رعایت سایر مصالح اهم، لحاظ نشده است.

**کلیدواژه‌ها:** سب، دشنام، لعن، تبری، دشمنان اهل بیت علیهم السلام.

\* تاریخ دریافت مقاله (۹۶/۹/۱۹) تاریخ پذیرش (۹۶/۱۲/۲۲)

۱. دانش آموخته درس خارج حوزه علمیه قم saadati.hamid1360@gmail.com

## درآمد

در دین مقدس اسلام، افزون بر اصل «تولی»، که دوست داشتن اولیای الهی است، اصلی دیگر به نام «تبری» وجود دارد که به معنای ابراز بیزاری از دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام است. این دو اصل، ملازم یکدیگر و از ارکان معرفت الله هستند؛ بدون این دو، شناخت خداوند حاصل نمی‌شود و عدم اعتقاد به آنها، سبب گمراهی است.<sup>۱</sup>

سوره‌ای از قرآن کریم، با برائت خدا و پیامبرش از مشرکان آغاز شده و از این رو برائت نام گرفته است؛ افزون بر این، در سی مورد، این واژه و مشتقات آن به کار رفته است.<sup>۲</sup> بر این اساس، تبری<sup>۳</sup> و هم چنین اعتقاد به آن، علاوه بر این که در روایات ما مورد تأکید و توجه قرار گرفته است، ریشه قرآنی نیز دارد.

با توجه به تأکید قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام، شیعیان در اصل اظهار بیزاری و تبری، از دشمنان اهل بیت علیهم السلام اختلافی ندارند، اما در کیفیت این بیزاری و قالب‌های ابراز تبری، اختلاف دیدگاه‌هایی وجود دارد؛ از جمله این که آیا اظهار تبری و بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام در قالب سبّ جایز است یا خیر؟

با عنایت به اهمیت اصل تبری و اختلاف دیدگاه دانشمندان امامیه در قالب‌های آن<sup>۴</sup> و ذهنیت برخی افراد مبنی بر عدم جواز سبّ، پژوهش حاضر به بررسی جواز

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۱۸۰.

۲. جوادی آملی، عبد الله، «فلسفه تولی و تبری از نگاه قرآن و روایات»، مجله پاسدار اسلام، ۳۲۵ / ۱۰-۶.

۳. منظور از تبری، دوری و بیزاری از دشمنان خداست؛ به واسطه آیاتی که ماده «بری» در آنها به کار رفته است، قرآنی بودن موضوع تبری به معنای مذکور، ثابت می‌شود.

۴. ناگفته پیداست که نسبت میان تبری و سبّ از حیث مفهومی تباین است و از حیث مصداقی عموم و خصوص من وجه. موضع بحث، محل اجتماع این دو است؛ یعنی در جایی که از سبّ به عنوان یکی از شیوه‌های ابراز تبری استفاده می‌شود. بله، هر سبّی مصداق تبری نیست؛ مانند مواردی که شخصی حیوان خود را سبّ می‌کند. از طرف دیگر، شیوه ابراز تبری منحصر در سبّ نیست و روش‌های دیگری نیز وجود دارد؛ مانند لعن که به یک لحاظ قسیم سبّ است. اما موضع بحث، همان طور که اشاره شد، حکم سبّی است که در مقام تبری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام به کار برده می‌شود.

و عدم جواز سب دشمنان اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. بدین منظور، ابتدا به مفهوم شناسی سب در لغت و اصطلاح پرداخته شده و سپس از جواز و عدم جواز آن در قرآن و سنت سخن رفته است؛ در نهایت، حکم فقهای امامیه درباره سب بیان شده است.

### مفهوم شناسی «سب»

در این بخش، ابتدا مفهوم سب را در لغت و اصطلاح شناسایی می‌کنیم؛ سپس به بررسی جواز و عدم جواز سب در قرآن و حدیث خواهیم پرداخت.

### «سب» در لغت

«سب» مصدر باب (سب، یسب) است؛ برخی لغت‌شناسان، سب را «شتم» معنا کرده‌اند.<sup>۱</sup> برخی دیگر، سب را شتم دردناک و سخت دانسته‌اند.<sup>۲</sup> در اصطلاح اهل لغت، «شتم» به واژگانی اطلاق می‌شود که دارای یکی از خصوصیات زیر باشد:

- ❖ واژه‌ای که مخاطب، از شنیدن آن کراهت داشته باشد و خشمگین شود.<sup>۳</sup>
- ❖ کلامی زشت و زننده باشد، اما در آن قذف<sup>۴</sup> نباشد.<sup>۵</sup>
- ❖ واژه‌ای که بیان نقصی در فرد باشد و موجب اهانت به او شود.<sup>۶</sup>

### فرق میان فحش و سب

از مجموع کتب لغوی به دست می‌آید که:

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ۳ / ۶۳؛ ابن اثیر، مبارک، النهاية، ۲ / ۳۳۰.
۲. راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۳۹۱.
۳. ابن فارس، احمد، همان، ۳ / ۲۴۴.
۴. «و هو قوله: زَنَيْتَ أَوْ لَطَمْتَ أَوْ أَنْتَ زَانٌ، وَ شَبَّهَهُ مَعَ الصَّرَاحَةِ وَ الْمَعْرِفَةِ بِمَوْضِعِ اللَّفْظِ بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَ، أَوْ قَالَ لَوْلَيْدِهِ الَّذِي أَقْرَبَهُ: لَسْتُ وَ لَيْدِي»: شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقية، ص ۲۵۸.
۵. ابن منظور، محمد، لسان العرب، ۱۲ / ۳۱۸.
۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۶ / ۹۸.

• الف) واژه فحش، علاوه بر اقوال قبیحه، بر افعال قبیحه نیز اطلاق می‌شود؛<sup>۱</sup> برخلاف سبّ که منحصر در قول و گفتار است.

• ب) فحش، فعل یا گفتار «بسیار زشت» است. راغب درباره فحش بیان می‌دارد که فحش عبارت است از رفتار و گفتاری که زشتی آن بسیار بزرگ است؛ برخلاف سبّ که هر چند طبق تعریف اهل لغت، حرف زشت است (شتم)، اما به حد فحش که بسیار زشت است نمی‌رسد.<sup>۲</sup>

• ج) فحش، شامل قذف نیز می‌شود؛ برخلاف سبّ که فقط مواردی که در شخص مسبب تحقق دارد را شامل می‌شود؛ زیرا این منظور - که سبّ را به معنای شتم می‌داند - می‌گوید: شتم عبارت است از سخن زشت، ولی قذف جزو آن نیست.<sup>۳</sup>

نتیجه این که سبّ، کلامی است زشت و زننده که در شخص مسبب وجود دارد (قذف نیست)، ولی زشتی آن در حد فحش نیست.

### «سبّ» در اصطلاح

در کتاب «مصطلحات الفقه»، توضیح اصطلاح سبّ در فقه، این‌گونه بیان شده است:

در فقه، اصطلاح خاصی برای کلمه سبّ وجود ندارد، اما نزد [اکثر] فقها عبارت است از توصیف به قصد اهانت، با چیزی که در آن نقص و عیب جویی باشد.<sup>۴</sup>

از باب نمونه: شیخ انصاری رحمته الله علیه در تعریف اصطلاحی سبّ سه تعریف ذکر کرده

۱. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ۹/ ۱۵۷؛ ابن منظور، محمد، همان، ۶/ ۳۲۶.

۲. در بخش‌های آخر مقاله که عهده‌دار بیان سیره عملی معصومین علیهم‌السلام درباره سبّ است، شواهد زیادی آورده‌ایم که نشان می‌دهد ائمه علیهم‌السلام به این مهم عمل کرده‌اند؛ در عین حال، هیچ‌گاه نسبت‌های روا و سزای اشخاص را به صورت واضح و صریح (مانند فحش) بیان نفرموده‌اند.

۳. ابن منظور، محمد، همان، ۱۲/ ۳۱۸.

۴. مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، ص ۲۹۱.

است: در یک تعریف «سب» و «شتم» را مترادف یکدیگر قرار می‌دهد، سپس دو تعریف از محقق کرکی و صاحب مفتاح الکرامه نقل می‌کند:

○ محقق کرکی: نسبت دادن آن چه که موجب نقص می‌شود؛ مانند: فرومایه و ناقص.<sup>۱</sup>

○ صاحب مفتاح الکرامه: توصیف شخص به آن چه موجب نقص و عیب جویی او شود.

صاحب مفتاح الکرامه در بیان مصادیق نقص می‌گوید: هر آن چه موجب اذیت او (مسبوب) شود، تحت عنوان نقص قرار می‌گیرد؛ مانند «قذف»<sup>۲</sup> و خطاب کردن با اسم‌ها و القابی مانند: کوچک، پست، سگ، کافر، مرتد و هم چنین بیان برخی بیماری‌ها مانند: جذام و پیسی.<sup>۳</sup>

شیخ انصاری ملاک در صدق معنای سب را عرف می‌داند؛ یعنی به هر کلامی که عرف آن را اهانت و تنقیص تشخیص دهد، «سب» اطلاق می‌شود؛ در تحقق معنای سب، مواجهه و رویارویی با مسبوب لازم نیست، اما قصد اهانت و کوچک کردن، شرط است؛ پس نسبت بین «سب» و «غیبت»، عموم و خصوص من وجه است.<sup>۴</sup> بر اساس آن چه گفته شد، به بررسی جایگاه سب در قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازیم.

### جایگاه «سب» در قرآن

قرآن کریم در کنار اصل «تولی» به اصل «تبری» نیز اهمیت داده است؛ در قرآن، تنها دوستی خدا و اولیای او، ملاک ایمان دانسته نشده، بلکه اظهار و ابراز بی‌زاری از دشمنان خدا نیز به عنوان یکی از اصول ایمانی، در آیات قرآن انعکاس

۱. کرکی، علی، جامع المقاصد، ۲۷/۴.

۲. در تعریف لغوی واژه سب بیان شد که صاحب لسان العرب، قذف را جزء معنای سب نمی‌داند.

۳. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، ۲۵۴/۱.

۴. همان، ۲۵۵/۱.

یافته است؛<sup>۱</sup> چنان‌که در آغاز سوره ممتحنه، به شدت از دوستی با دشمنان خدا نهی شده و پس از آن، الگویی نیکو (حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام) معرفی شده است؛ این آیه شریفه،<sup>۲</sup> ویژگی این الگو و همگامانش را تبری از بتان و مشرکان برشمرده است.

اصل «تبری»<sup>۳</sup> در آیات قرآن به گونه‌های مختلف بیان شده است. در نزدیک به چهل آیه، بیزاری از دشمنان خدا در قالب «لعن» دیده می‌شود؛<sup>۴</sup> اما انعکاس این اصل به صورت سب در آیات قرآن نیاز به بررسی بیشتری دارد.

به طور کلی در بررسی جواز و عدم جواز سب، با دو دسته از آیات مواجهیم:

❖ آیاتی که نهی از سب کرده‌اند.

❖ دسته‌ای از آیات که در آنها نه‌تنها نهی صورت نگرفته، بلکه در عمل، برخی افراد سب شده‌اند و حتی در برخی موارد، دستور به سب نیز داده شده است.

### آیات نهی کننده از سب

از آن‌جا که بنای این پژوهش بر اختصار است، تنها به دو نمونه از این آیات اشاره می‌کنیم:

۱. بقره: ۲۵۶؛ ممتحنه: ۱.

۲. ممتحنه: ۴.

۳. ناگفته نماند که تبری و لعن، از حیث مفهوم دو معنای متفاوت دارند، اما از حیث مصداق، نسبتشان، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر لعنی مصداق برائت می‌باشد - و لعن بارزترین شیوه ابراز برائت است - اما هر نوع برائتی، لعن نیست. لازم به ذکر است که، لعن ظاهری دوستان گنهکار اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در برخی روایات، مربوط به فعلشان است نه شخصشان؛ در هیچ‌یک از این موارد، لعن و بیزاری از خود شخص نیست، بلکه این افراد روی جهاتی مثل بی‌غیرتی یا اسراف و یا کَلِّ بر جامعه بودن، مورد لعن قرار گرفته‌اند؛ برخلاف لعن‌هایی که از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نسبت به دشمنانشان صادر شده که در آنها مستقیماً خود شخص مورد لعن قرار گرفته است.

۴. فرج پور، حامد، «بررسی لعن در قرآن و سنت»، فصلنامه امامت پژوهی، ۷ / ۱۸۳.

## آیه اول

واژه «سب» تنها در یک آیه قرآن به صراحت آمده است؛ در این آیه شریفه خداوند از سب مشرکان نهی کرده است:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾

و آنهایی را که جز خدا را می خوانند دشنام دهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد.

این آیه شریفه را برخی دلیل نهی از سب دانسته اند؛ چراکه در این آیه، به صراحت از دشنام به مقدسات دیگران - اگرچه دشمن خدا باشند - نهی شده است؛ از این رو، توهین و دشنام به مقدسات دیگران، به دلیل مقابله به مثل آنها، رد شده است.

## بررسی و تحلیل

کتب تفسیری در شأن نزول این آیه، دو روایت ذکر کرده اند:

۱. امام صادق فرمودند: مؤمنان زمان رسول خدا ﷺ، خدایان مشرکین را دشنام می دادند و مشرکین هم خدای مؤمنین را ناسزا می گفتند؛ از این رو، خدای تعالی ایشان را از دشنام به خدایان مشرکین نهی فرمود؛ چراکه مؤمنان با این عمل ناآگاهانه مشرک می شدند.<sup>۱</sup>

۲. ابن عباس می گوید: وقتی آیه ﴿إِن كُفِّرُوا مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ...﴾<sup>۲</sup> نازل شد، مشرکان به پیامبر اکرم ﷺ گفتند: اگر از سب خدایان ما خودداری نکنی، خدایت را هجومی کنیم؛ بدین جهت این آیه نازل شد.<sup>۳</sup>

از آیه یادشده به ضمیمه این دو روایت نکاتی برداشت می شود:

اول: حکم عدم جواز سب، در مواجهه با واکنش مشرکان نازل شده است و اگر مقابله به مثل مشرکان نبود، چنین حکمی نازل نمی شد؛ جمله ﴿فيسبوا الله﴾ شاهد

۱. انعام: ۱۰۸.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۱/ ۲۱۳.

۳. انبیاء: ۹۸.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۴/ ۵۳۷.

براین مطلب است و دلیل نهی را بیان می‌کند؛ بنابراین، در صورت مقابله به مثل نکردن مشرکان، حرمت سب، از آیه فهمیده نمی‌شود؛ به بیان دیگر سب، مفسده ذاتی ندارد.

شهید اول حکم عدم جواز سب را در زمره مسائلی ذکر می‌کند که مفسده ذاتی ندارند و چون منجر به مفسده می‌شوند، حکم به حرمتشان شده است. بنابراین این آیه شریفه در مقام بیان حرمت ذاتی سب نیست.<sup>۱</sup>

هم چنین مرحوم اردبیلی در «زبدة البیان» می‌نویسد:

وهذه [الآية] صريحة في عدم جواز فعل مباح بل واجب لو كان موجبا لسب الإله ونحوه، فلا يفعل شيء يلزم منه ذلك من سب آلهتهم وغيره مثل سبهم و سب أصحابهم، إذا كان موجبا لسب النبي والأئمة والمؤمنين وهو ظاهر عقلاً أيضاً.<sup>۲</sup>

این آیه شریفه تصریح دارد بر این که اگر یک عمل مباح و حتی واجب، باعث شود که اله و مانند آن [ائمه طاهرين عليهم السلام] مورد سب واقع شوند، انجام آن جایز نیست؛ پس اگر سب بت‌ها و خدایان آنان و یا سب بزرگان اهل تسنن و اصحابشان، موجب سب رسول خدا، ائمه اطهار عليهم السلام و مؤمنین می‌شود، آن را انجام ندهید؛ این حکم، از نظر عقلی نیز ظاهر و آشکار است.

هم چنین مرحوم کاشف الغطاء، سب دشمنان اهل بیت عليهم السلام را به خودی خود، طاعت خداوند می‌داند که اگر منجر به معصیتی راجح بشود، نهی آیه شاملش می‌شود.<sup>۳</sup>

**دوم:** هدف در این آیه، همان‌گونه که از ظاهر آن آشکار است، نهی از مطلق سب نیست، بلکه نهی از سب به طور آشکار است، چرا که واکنش مشرکان را به دنبال دارد؛ اما از سب پنهانی و در خفا که چنین واکنشی را در پی ندارد، نهی نشده است؛ در برخی از روایات اهل بیت عليهم السلام نیز، سب علنی مورد نهی واقع شده است:

۱. شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، ۲/ ۸۲.

۲. اردبیلی، احمد، زبدة البیان، ص ۳۴۰.

۳. کاشف الغطاء، هادی، الرد علی موسی جار الله، ص ۵۶.



شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: ای پسر رسول خدا! ما در مسجد شخصی را دیدیم که آشکارا دشمنان شما را سب می‌کرد و نام آنها را بر زبان می‌آورد؛ آن حضرت او را لعن کردند و این آیه را تلاوت فرمودند: ...<sup>۱</sup>

در این روایت سب آشکارا نهی شده است؛ زیرا از تعلیل حضرت که فرمود: مَا لَهُ لَعَنَهُ اللَّهُ يُعْرِضُ بِنَا وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ»،<sup>۲</sup> استفاده می‌شود که ایشان در مقام نهی از اصل سب نیست؛ چراکه اگر حضرت می‌خواستند «اصل سب» را نهی کنند، اولاً می‌فرمودند، مگر او نمی‌داند که سب حرام است. ثانیاً: به آیه «لَا تَسُبُّوا...»<sup>۳</sup> استشهاد نمی‌کردند؛ چون، همان‌طور که در بررسی آیه شریفه بیان شد، این آیه در مقام بیان حرمت ذاتی سب نیست. افزون بر این‌که از همین روایت، وجود سب پنهانی در بین اصحاب استفاده می‌شود؛ زیرا آنچه که مورد تعجب راوی قرار گرفته است - «إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يُعَلِّنُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَيُسَمِّيهِمْ» - آشکارا و علنی بودن سب است نه اصل سب.

هم‌چنین امام صادق (علیه السلام) در نامه‌ای به اصحابشان، بیان می‌کنند که: «إِيَّاكُمْ وَ سَبِّ أَعْدَاءِ اللَّهِ حَيْثُ يَسْمَعُونَكُمْ»؛<sup>۳</sup> امام (علیه السلام) دلیل نهی از سب را، شنیدن دشمنان بیان می‌دارند؛ از ظاهر این روایت به روشنی فهمیده می‌شود که اگر این شنیدن صورت نگیرد نهی وجود نخواهد داشت.

نتیجه این‌که با آیه شریفه، حرمت و عدم جواز سب دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) به صورت مطلق ثابت نمی‌شود.

## آیه دوم

«وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»؛<sup>۴</sup> این آیه شریفه، مسلمانان را به خوش‌زبانی با مردم دستور

۱. همو، اعتقادات امامیه، ص ۱۰۸.

۲. چه مرضی دارد؛ خدا لعنتش کند! ما را در معرض اذیت قرار می‌دهد، در حالی که خدای متعال فرموده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ...».

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۷/۸.

۴. بقره: ۸۳.

می‌دهد؛ به دلیل وجود قید «للناس»، روشن است که این آیه مختص قشر خاصی نیست و همه انسان‌ها، حتی غیرمسلمانان و یا دشمنان را در برمی‌گیرد؛ از این رو، ظاهراً این آیه شریفه از سب دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام نهی می‌کند.

## بررسی و تحلیل

برای فهم صحیح آیات نمی‌توان تنها به برخی از آنها استناد کرد، بلکه لازم است آیات مرتبط با موضوع در نظر گرفته شود و آیات شریفه قرآن، ناظر بر یکدیگر و به صورت مجموعی مورد توجه قرار گیرند.

با دقت در مجموع آیات قرآن کریم به دست می‌آید که میان آیاتی که برسختن نیکو تأکید می‌کنند و آیاتی که به لعن و بیزاری از برخی مردم تأکید می‌کنند، تعارضی وجود ندارد، این دو دسته از آیات، قابل جمع هستند؛ به این صورت که آیات مؤکد بر خوش رفتاری، برای کسانی است که از زمره دشمنان خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خارج باشند؛ زیرا دشمنان، از رحمت و عطوفت الهی دور هستند و رفتار خداوند با آنان متفاوت است؛ برای نمونه می‌توان به رفتار خدای متعال با جهنمیان اشاره کرد؛ آنان از خدا می‌خواهند که برگردانده شوند ولی خداوند در جواب آنها می‌فرماید: «اِحْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون». <sup>۱</sup> دیگر آیات مشعر به سب دشمنان خدا، در بخش آیات مثبت سب، بیان خواهد شد.

در ذیل این آیه، روایاتی ذکر شده است که جهت تکمیل بحث، به بررسی آنها نیازمندیم؛ البته به ذکر دو نمونه از آنها اکتفا می‌کنیم:

روایت اول: امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه شریفه فرمودند:

قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ  
اللَّعَانَ السَّبَّابَ الظَّعَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ السَّائِلَ  
الْمُلْحِفَ، وَيُحِبُّ الْحَيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ.<sup>۲</sup>

۱. مؤمنون: ۱۰۸.

۲. عیاشی، محمد، تفسیر عیاشی، ۱/ ۴۸؛ صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ص ۲۵۴؛ ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، ص ۳۰۰.

با مردم به نیکوترین سخنی که دوست دارید آنان به شما بگویند، سخن گوید؛ زیرا خداوند از نفرین‌کننده دشنام‌پیشه طعنه‌زننده بر مؤمنین و دشنام‌گوی بی‌آبرو و گدای سمج نفرت دارد و باحیای صبرپیشه پاکدامن پرهیزکار را دوست دارد.

**روایت دوم:** امام صادق علیه السلام ذیل آیه شریفه، در بیان شیوه تعامل با مخالفان فرمودند: مردم [مخالفان] را بردوش خود سوار نکنید که خوار می‌شوید. خداوند بزرگ در کتابش می‌فرماید: «با مردم سخن نیک بگویند» آن‌گاه فرمودند: به عیادت بیماران آنها بروید، بر جنازه‌هایشان حاضر شوید، به نفع و ضرر آنها گواهی دهید، با آنان در مساجدشان نماز گزارید و حقوقشان را ادا کنید.<sup>۱</sup>

در این روایت امر به خوش‌زبانی، شرکت در تشییع جنازه و... مخالفان شده است؛ پس وقتی دستور به انجام چنین کارهایی داده شده، از سب نسبت به آنها به طریق اولی نهی شده است.

### بررسی و تحلیل روایات

نکته‌ای که در روایت اول وجود دارد این است که مسئله لعن، سب و طعن، مقید به مؤمنان می‌باشد؛ یعنی سب و دشنام مؤمنین، مبعوض خداوند دانسته شده است؛ اما روایت نسبت به سب غیرمؤمنان، ساکت است و برای جواز یا عدم جواز آن، باید از ادله دیگری استفاده شود؛ افزون بر آن، در روایت از صیغه مبالغه استفاده شده است که نشان می‌دهد مقصود، کسانی هستند که بسیار لعن، سب و طعن می‌کنند؛ براین اساس، حدیث در مقام بیان حکم کسانی که سب بسیار نمی‌کنند، نیست.

در روایت دوم نیز، قرائن موجود در این قسمت روایت و ادامه آن<sup>۲</sup> و هم‌چنین روایت هم‌مضمون<sup>۳</sup>، به صراحت نشان می‌دهند که امام علیه السلام حکم مقام تقیه را بیان فرموده

۱. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۱۸؛ صدوق، محمد بن علی، صفات الشیعة، ص ۲۷.

۲. همان.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲/ ۲۱۹.

است؛ پس این روایت، نمی‌تواند عدم جواز سبّ در جایی که تقیه نیست و خطری وجود ندارد - مانند سبّ در خفا و پنهانی - را اثبات کند.

### آیات دال بر تحقق سبّ در قرآن کریم

در این دسته از آیات، اگرچه واژه «سبّ» به کار نرفته است، اما واژگانی وجود دارد که با تعریف لغوی و اصطلاحی «سبّ» سازگارند. در این آیات، خداوند متعال گروهی از مشرکان و کافران را با واژگانی خطاب کرده است که دلالت بر سبّ و تحقیر آنان می‌کند:

۱. «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۱</sup>

در این آیه، خدای متعال صراحتاً مشرکین را به سگ تشبیه می‌کند؛ قطعاً چنین تشبیهی مشمول معنای سبّ می‌شود؛ چراکه دلالت بر عیب و نقص در شخص می‌کند و همراه با تحقیر است.

۲. «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»<sup>۲</sup>

این آیه شریفه پس از بیان خصوصیتی از اهل جهنم، آنان را به چهارپایان بلکه پایین‌تر از آنها تشبیه می‌کند. این کلام الهی، شاهدی بر سبّ جهنمیان است. به بیان دیگر، همان خدایی که می‌فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»، در آیه‌ای دیگر به صراحت، اهل جهنم را به چهارپایان تشبیه می‌کند و این همان معنای سبّ است؛ یعنی استفاده از الفاظ و کلماتی که دلالت بر نقص و عیب، همراه با تحقیر شخص مسبوب می‌کند.

۳. «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا»

۱. اعراف: ۱۷۶.

۲. اعراف: ۱۷۹.

این آیه شریفه، به خودی خود، نشان دهنده سب است؛ علاوه بر آن، امام صادق علیه السلام ذیل این کلام الهی، وجه شباهت بنی اسرائیل با حمار را این گونه بیان داشته‌اند: حمار کتاب‌ها را حمل می‌کند اما محتوای آنها را نمی‌داند و به دستوراتش عمل نمی‌کند؛ بنی اسرائیل نیز این گونه بودند؛ آنها مانند حمار تورات را حمل می‌کردند، اما نه از محتوای آن آگاه بودند و نه به آن عمل می‌کردند.<sup>۱</sup>

۴. «كَانَ يَحْمِلُ حُمُرَ مُسْتَنْفِرَةٍ»<sup>۲</sup>

خداوند متعال در این آیه، کافران و منکران قیامت را به الاغ‌های رمنده تشبیه فرموده است.

۵. «قَالَ احْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون»<sup>۳</sup>

باری تعالی خطاب به جهنمیانی که درخواست بخشش و خروج از جهنم دارند، می‌فرماید: «إِحْسَبُوا»؛ حساً در عربی به معنای «سگ را با خواری زدن و راندن» است که در فارسی به آن «چخ!» می‌گوییم؛ این در حالی است که خدای متعال می‌توانست از عبارات دیگری، مثل «کَلَّ»، استفاده کند؛ آن چنان که در آیات مشابه دیگر آمده است. خدایی که امر به خوش‌زبانی می‌کند، خود در مواقعی این گونه برخورد می‌کند.

آیاتی که در آنها از تعابیری مانند: «لَا يَعْقِلُونَ»، «لَا يَفْقَهُونَ»، «هُمُ الْفَاسِقُونَ» و... استفاده شده است، از مصادیق سب قرآنی محسوب می‌شوند، ولی به بررسی تفصیلی آنها نمی‌پردازیم.

ممکن است کسی اشکال کند که این تعابیر و تشبیهات در آن عصر مرسوم بودند و قبحی نداشتند، اما امروزه برداشت دیگری از آنها می‌شود.

در پاسخ این چنین گفته می‌شود که چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران بود و

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۲/ ۳۶۷.

۲. مدثر: ۵۰.

۳. مومنون: ۱۰۸.

دین او ابدی است، قرآن نیز برای تمام زمان‌هاست و اختصاص به زمان خاصی ندارد؛ از این رو، گویا قرآن امروز برای ما نازل شده است؛ این مطلب، خود یکی از وجوه اعجاز قرآن است. به بیان روشن‌تر، اگر مبنای شما را بپذیریم، باید نحوه قرائت برخی آیات را تغییر دهیم؛ زیرا طبق دیدگاه شما، این نوع تشبیهات در حال حاضر بار معنایی منفی دارند؛ از طرفی، ممکن نیست خدای متعال به سفارش خود - «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» - عمل نکند؛ بنابراین، لازم است الفاظ برخی آیات را تغییر دهیم! این در حالی است هیچ‌کس قائل به چنین مطلبی نیست.

مضاف بر این‌که، مدعای شما بدون دلیل و مدرک است؛ به بیان دیگر، دلیل شما برای اثبات عدم قبح این تشبیهات و تعابیر در زمان‌های گذشته چیست؟ چنین تشبیه‌هایی با هدف تنقیص مخاطب صادر می‌شدند؛ پس چگونه ممکن است، قبحی نداشته باشند؟ اگر بخواهیم به مسئله تنقیص اشکال کنیم، مجبوریم به خدای متعال هم اشکال کنیم؛ خداوند برای زیر سؤال بردن افکار و رفتارهای دشمنان خود و انتقاد از آنها، می‌توانست مؤدبانه تر صحبت کند؛ مثلاً بفرماید: اینها بهانه‌جو، حریص، دارای شخصیت‌های چنگدانه، دورو، منافق و... هستند.

با توجه به موضوع تحقیق (ادله جواز سب دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام)، لازم است روشن شود که دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام چگونه مشمول آیات ذکر شده می‌شوند. بدین منظور، بخشی از تحقیق را به مصداق‌شناسی این آیات اختصاص می‌دهیم.

### مصداق‌شناسی آیات دال بر سب

#### آیه اول: «كَمَثَلِ الْكَلْبِ...»

در این آیه شریفه، خداوند متعال تکذیب‌کنندگان «آیات» خود را به کلب تشبیه کرده است؛ یکی از بزرگ‌ترین آیات و نشانه‌های خداوند، اهل بیت عصمت و

طهارت علیه السلام هستند؛ در این باره از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مَا لِلَّهِ نَبَأٌ أَكْبَرُ مِنِّي وَمَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي»<sup>۱</sup>.

آیه دوم: «وَلَيْسَ كَاللِّانْعَامِ...»

امامیه معتقدند که دشمنان اهل بیت علیهم السلام کافر و اهل جهنم اند<sup>۲</sup> و حتی اگر هزار سال عبادت کنند و مظلومانه کشته شوند، خداوند آنان را به صورت، درون آتش می اندازد؛<sup>۳</sup> در روایتی ذیل آیه: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ»<sup>۴</sup> نقل شده است که گمراه تر از کسی که هوایش را تبعیت می کند، کسی است که دینش را از غیر «امام من الله» بگیرد.<sup>۵</sup> حال آیا مخالفین ائمه علیهم السلام که دینشان را از هواپرستان گرفته اند و زیر بار ولایت اهل بیت علیهم السلام نرفته اند، مصداق این آیه نیستند؟ بنابراین، سب بکاررفته در آیه شریفه، شامل دشمنان اهل بیت علیهم السلام نیز می شود.

آیه سوم: «حُمِّلُوا التَّوْرَةَ... كَمَثَلِ الْحِمَارِ»

وجه شباهت بنی اسرائیل با حمار در مورد دشمنان اهل بیت علیهم السلام نیز صادق است؛ زیرا آنان نیز قرآن را حمل می کنند در حالی که نه علم به محتوای آن دارند - چراکه خداوند آیات بسیاری را در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل کرده است - و نه به آن عمل می کنند؛ به این معنا که با اهل بیت علیهم السلام دشمنی می کنند، در صورتی که اجر رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مودت نسبت به ایشان است.<sup>۷</sup>

آیه چهارم: «حمر مستنفره»

دشمنان اهل بیت علیهم السلام از مصادیق کافران و تکذیب کنندگان قیامت به شمار

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱/ ۷۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۲۰۷.

۲. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۱۵۰؛ صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، ص ۲۰۶.

۳. همو، ثواب الاعمال، ص ۲۱۰.

۴. قصص: ۵۵.

۵. صفار، محمد بن حسن، همان، ۱/ ۱۳.

۶. برای نمونه: مائده: ۳، ۵۵، ۶۷؛ توبه: ۱۱۹؛ نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷.

۷. شوری: ۲۳.

می‌روند. این آیه را امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از پذیرش خلافت ظاهری، خطاب به مردم زمان خویش به کار برده و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي اسْتَنْفَرْتُكُمْ لِحِجَابِ هَوْلَاءِ فَلَمْ تَنْفَرُوا... أَعْظَمَكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ  
الْبَالِغَةِ فَتَنْفَرُونَ عَنْهَا كَأَنَّكُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفَرَةٌ فَرَثَ مِنْ قَسْوَرَةٍ!<sup>۱</sup>

هم چنین در روایتی دیگر نقل شده است که امام رضا علیه السلام صراحتاً این تعبیر را در مورد اهل خلاف به کار برده‌اند: «انهم حمر مستنفره».<sup>۲</sup>

### جمع بندی بحث جایگاه «سب» در قرآن

روشن شد که دو آیه مستند برای نهی از سب، دلالت بر حرمت ذاتی سب ندارند، بلکه در آیات دیگری از قرآن کریم عده‌ای به صراحت سب شده‌اند. به بیان دقیق‌تر، جمع میان آیات ناهیه و آیات به ظاهر متعارض این است که آیه ۱۰۸ سوره انعام،<sup>۳</sup> همان‌طور که از ظاهرش برمی‌آید، گویای حرمت سب است، اما نه به صورت مطلق، بلکه فقط سب در مواجهه با دشمن را حرام می‌شمرد؛ به عبارت روشن‌تر، آن چه در آیه شریفه مورد نهی خدای متعال واقع شده، سب خدایان آنها در حضورشان است و دلالتی بر مطلق سب ندارد؛<sup>۴</sup> پس میان این آیه و آیات دسته دوم، منافاتی نیست؛ همان‌طور که آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» - بر فرض تمام بودن دلالتش - با دسته دوم آیات، منافاتی ندارد و با آنها تخصیص خورده است.

حاصل این‌که در قرآن کریم سب دشمنان خدا - که یکی از شیوه‌های ابراز تبری است - نه تنها مورد نهی واقع نشده است، بلکه خداوند متعال در موارد متعددی، از این شیوه برای اعلام برائت از دشمنانش استفاده کرده است.

### جایگاه «سب» در روایات اهل بیت علیهم السلام

در فرمایشات رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام نیز همانند قرآن بر اصل تبری تأکید شده

۱. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ۱/ ۱۷۴.

۲. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، ص ۳۳۰.

۳. «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ...»

۴. در تحلیل آیات نهی‌کننده از سب، چگونگی دلالت آیه بر عدم حرمت ذاتی توضیح داده شد.



است؛ به فرموده رسول خدا ﷺ استوارترین دستگیره ایمان، دوستی و دشمنی برای خدا، ارتباط با دوستان خدا و گسستن از دشمنان اوست.<sup>۱</sup> در روایت دیگری آمده است، خدمت امام صادق علیه السلام عرض شد که شخصی شما را دوست دارد اما در براءت از دشمن شما ضعیف است؛ حضرت در پاسخ فرمودند: «هرگز چنین نیست؛ دروغ می‌گوید هر کسی که ادعا می‌کند دوست ماست، ولی از دشمن ما بیزاری نمی‌جوید.»<sup>۲</sup> امام رضا علیه السلام کمال دین را ولایت خودشان و براءت از دشمنانشان خواندند.<sup>۳</sup> هم چنین رسول خدا ﷺ شرط عبور از صراط را براءت از دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

براءت در قالب‌های مختلفی صورت می‌گیرد؛ گاه در قالب لعن، افرادی به طور کلی مورد لعن قرار گرفته‌اند و گاه از اشخاصی به صورت خاص تبری جسته شده است.<sup>۵</sup> حال سؤال این است که آیا در سنت، تبری در قالب «سب» صورت گرفته است؟

در پاسخ به این پرسش گفته می‌شود که روایات نیز مانند آیات قرآن دو دسته‌اند:

❖ روایاتی که از «سب» نهی کرده‌اند.

❖ روایاتی که نشان می‌دهند معصومین علیهم السلام از این شیوه برای ابراز تبری استفاده کرده‌اند.

### روایات نهی‌کننده از سب

پاره‌ای از روایات انعکاس یافته در گنجینه‌های حدیثی شیعه، سب را عملی

۱. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۲۶۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲/ ۱۲۶؛ صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، ص ۳۹۸.

۲. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی، ۳/ ۶۴۰. همان.

۳. «لَا يَجُوزُ أَحَدٌ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا بِبِرَاءَةٍ مِنْ أَعْدَاءِ عَلِيٍّ علیه السلام»: قمی، شاذان بن جبرئیل، الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین، ص ۶۰.

۴. فرج پور، حامد، «بررسی لعن در قرآن و سنت»، فصلنامه امامت پژوهی، ۷/ ۱۸۶.

غیراخلاقی و زشت برشمرده و از آن نهی کرده‌اند؛ در این روایات، معصومین علیهم‌السلام از سب گروه‌ها، طایفه‌ها و حتی غیرمسلمان نهی کرده‌اند. جهت رعایت اختصار در مقاله، تنها به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم و به تحلیل و بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. امام باقر علیه‌السلام فرمود: مردی از قبیله بنی تمیم نزد پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و عرض کرد: برای من سفارشی بفرمایید! حضرت در بخشی از پاسخشان فرمودند: به مردم دشنام ندهید که سبب دشمنی میان آنها می‌شود.<sup>۱</sup>

در این روایت آمده است که سب، سبب دشمنی می‌شود؛ مفهوم این سخن این است که سب اگر سبب دشمنی نشود، جایز است؛ پس روایت مذکور همه انواع سب - از جمله سب پنهانی‌ای که سبب دشمنی نشود - را در بر نمی‌گیرد.

۲. از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند: خداوند فحش دهنده و کسی که به او فحش داده می‌شود [و باکی از آن ندارد] را مبعوض می‌دارد.<sup>۲</sup>

۳. امیرمؤمنان علیه‌السلام در وصیتشان، که توسط امام سجاد و امام باقر علیه‌السلام نقل شده است، فرموده‌اند: با فحش سخن مگوئید؛ زیرا فحش برای ما و شیعیان ما سزاوار نیست و فاحش و ناسزاگو، دوست ما نمی‌باشد.<sup>۳</sup>

این دو روایت ناظر بر دشنام‌گویی‌اند؛ پیش‌تر بیان شد که معنای سب اعم از دشنام است و شامل هر توهینی می‌شود؛ بنابراین هر دو روایت تنها دشنام‌گویی را نهی می‌کنند و نسبت به سب به معنای اعم، نهی ندارند.

افزون بر آن، دسته دیگری از روایات و سیره عملی معصومین علیهم‌السلام نشان می‌دهد که برخی افراد، مانند بدعت‌گذاران، سب شده‌اند. میان این روایات تعارضی نیست و قابل جمع‌اند؛ به این بیان که شاید روایات نهی‌کننده، ناظر به سب اهل ایمان یا

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/۳۶۰، باب السباب، ح ۳.

۲. همان، ۲/۳۲۴، باب البذاء، ح ۴.

۳. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ۲/۳۴۸.

کسانی که مستحق سب نیستند - غیر از دشمنان اهل بیت علیهم السلام - باشند و افرادی که استحقاق سب دارند را در بر نگیرند.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سب مؤمن، فسوق است.»<sup>۲</sup>

۵. در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «دشنام دهنده به مؤمن، مانند کسی است که در پرتگاه هلاکت است.»<sup>۳</sup>

این دو روایت نیز از محل بحث خارج اند؛ زیرا موضوع بحث ما دشمنان اهل بیت علیهم السلام است و آنها در زمره مؤمنان نیستند. علامه مجلسی رحمته الله علیه ذیل روایت «سباب المؤمن فسوق» می فرماید: سب غیر مؤمن اگر قذف نباشد، ایرادی ندارد.<sup>۴</sup>

۶. امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ صفین، آن گاه که متوجه شدند برخی از یاران شامیان را سب می کنند، آنان را از این کار بازداشته و فرمودند:

إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ وَ لَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِي الْعُدْرِ وَ قُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ ... ۵

من کراهت دارم که زیاد سب کننده باشید، ولی اگر در گفتار آنان کردار آنان را وصف و حالشان را بیان کنید به گفتار صواب، نزدیک تر و در مرتبه عذر، رساتر است. بهتر است به جای دشنام بگویید: خداوند، ما و اینان را از ریخته شدن خونمان حفظ فرما، و بین ما و آنان اصلاح کن؛ این قوم را از گمراهی نجات بخش تا آنکه جاهل به حق است، آن را بشناسد.

در بررسی این روایت و دلالت آن بر عدم جواز سب، چند نکته بیان می کنیم:

• حضرت لفظ «سبّابین» را به کار بردند که صیغه مبالغه است؛ این لفظ به

۱. فسوق به معنای ترک امر خدا (فراهیدی، خلیل، العین، ۵/ ۲۸) و خروج از طاعت (طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۵/ ۲۲۸) است.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲/ ۳۶۰.

۳. همان، ۲/ ۳۵۹.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۱۶۱/ ۷۲.

۵. شریف رضی (گردآورنده)، نهج البلاغه، ص ۳۲۳.

کسانی اطلاق می‌شود که زیاد سب می‌کنند؛ پس می‌توان گفت که از اصل سب نهی نشده است. به بیان واضح‌تر، اگر مراد حضرت نهی از اصل سب بود، شایسته بود که بفرمایند: «انی اکره لکم ان تسبوا»، حال آن‌که از صیغه مبالغه استفاده کرده‌اند که نشان می‌دهد مبالغه در این کار، مورد نهی واقع شده و مذموم است.

● سب و لعن، که به معنای نفرت از زشتی‌ها و ظلم‌هاست را نمی‌توان از جهت عقلی قبیح دانست. گرایش به عدل و احسان و تنفر از ظلم و زشتی، امری فطری است؛ مؤید این استظهار و برداشت، همان آیه ۱۰۸ سوره انعام است؛ خدای متعال در این آیه شریفه، حرمت ذاتی سب را بیان نمی‌دارد. مؤید دیگر چنین استظهاری، تعلیل حضرت صادق علیه السلام در مورد کسی که لعن علنی کرده بود، می‌باشد. امام علیه السلام نمی‌فرمایند که حرام خدا را مرتکب شده است، بلکه اعتراض می‌کنند که چرا زبان آنها را به بدگویی از ما اهل بیت باز می‌کند.<sup>۱</sup>

● نکته سوم نیز مربوط به روایت امام صادق علیه السلام است و آن این‌که حضرت در انتهای روایت می‌فرماید: «به جای این کار از خدا بخواهید که هدایت شوند و...»؛ این در حالی است که بیشتر کسانی که در جامعه امروز شیعی، سب و لعن شده‌اند و یا می‌شوند، از دنیا رفته‌اند و فرمایش حضرت (دعا برای هدایتشان) در مورد آنها قابل اجرا نیست؛ به عبارت دیگر، موضوع جایگزین سب (دعای برای هدایت)، در مورد آنها منتفی است.

۷. شخصی در مقابل امام صادق علیه السلام فردی مجوسی را سب کرد؛ حضرت او را نهی و منع کردند؛ آن شخص گفت: او با مادرش ازدواج کرده است. حضرت فرمودند: «آیا نمی‌دانی که به شیوه آنها، این نکاح است؟»<sup>۲</sup>

۱. «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ...»

۲. صدوق، محمد بن علی، اعتقادات الإمامیه، ص ۱۰۸.

۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۹/ ۳۶۵.

به این روایت در عدم جواز سبّ این‌گونه استدلال کرده‌اند: در این روایت از سبّ فردی غیرمسلمان و مجوسی نهی شده است؛ از این رو نمی‌توان دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را سبّ کرد.

برفرض صحت سند این روایت، حضرت در مقام نهی از مورد خاصی است و به طور کلی نهی از سبّ نمی‌کند. به علاوه، تعلیل امام علیه‌السلام ظهور در این دارد که سبّ، در مواردی منهی و قبیح است که درباره‌ی شخص مسبب، صحت نداشته باشد. در این روایت بعد از آن که شخص از کار خودش دفاع کرد و گفت که او با مادرش ازدواج کرده است (درحالی که اسلام این کار را حرام می‌داند)، حضرت فرمود که حتی اگر مرتکب زنا هم شده باشد، توحق نداری چنین نسبتی به او بدهی؛ بلکه فرمود: «مگر نمی‌دانی ازدواج با مادر، از نظر آنها حلال است؟!»

۸. امام صادق علیه‌السلام در روایتی طولانی می‌فرماید: «وَإِيَّاكُمْ وَ سَبِّ أَعْدَاءِ اللَّهِ حَيْثُ يَسْمَعُونَكُمْ...»<sup>۱</sup>.

در این روایت، به صراحت از سبّ دشمنان خدا و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام نهی شده است. این روایت نیز مانند آیه ۱۰۸ سوره انعام، دلالت بر حرمت ذاتی سبّ نمی‌کند و حتی می‌توان از تعلیل امام علیه‌السلام خلاف آن را ثابت کرد.

مرحوم مجلسی در *مرآة العقول* ذیل این روایت می‌فرماید:

قوله: «حيث يسمعونكم» بفتح الياء أي «يسمعون منكم» بل سبوا أعداء الله في الخلوات، و في مجامع المؤمنين.<sup>۲</sup>

هم‌چنین مرحوم مازندرانی در شرح کافی می‌فرماید:

مراد از اعداء الله در روایت «و اياكم و سبّ أعداء الله»، امامان جور و پیروانشان است و «حيث يسمعونكم» دلالت می‌کند بر جواز شتم در جایی که آنها نمی‌شنوند.<sup>۳</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۷/۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول*، ۱۷/۲۵.

۳. مازندرانی، محمد صالح، شرح کافی، ۱۱/۱۶۱.

پس برداشت این دو بزرگوار از روایت این است که: مفهوم موافق روایت شریف، نهی سب علنی می‌کند و مفهوم مخالف آن، امر به سب دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام می‌کند.

### روایات دال بر جواز و رجحان سب

پس از تحلیل روایات نهی‌کننده از سب، به بررسی روایاتی می‌پردازیم که دلالت بر جواز سب دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام دارند.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَالْبِدْعِ مِنَ بَعْدِي، فَأَظْهِرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ، وَ أَكْثِرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَالْقَوْلِ فِيهِمْ وَالْوَقِيعَةَ، وَ بَاهِتُوهُمْ كَيْلًا يَظْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ، وَ يَحْذَرُهُمُ النَّاسُ، وَ لَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ؛ يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ، وَ يَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ<sup>۱</sup>.

در این روایت که صحیح‌ه است و از حیث سند قابل‌خداشه و اشکال نیست، به روشنی امر به بسیار سب کردن بدعت‌گذار شده است؛ این دلیل نه‌تنها جواز سب بدعت‌گذار را ثابت می‌کند، بلکه به خاطر امر حضرت و تأکیدات بعد از آن و حکمت بسیار مهمی که بیان شده و هم‌چنین، وعده حسنه و ثوابی که در آخر روایت آمده است، به یقین رجحان سب بدعت‌گذار را نیز اثبات می‌کند.<sup>۲</sup>

ممکن است گفته شود، با توجه به این‌که ائمه علیهم‌السلام سب و دشنام را مذموم می‌دانند و در روایات دیگری امر به ترک آن کرده‌اند، مراد از سب در این مورد، لعن است که به معنای طلب دوری از رحمت خداست.

در پاسخ می‌گوییم: تا زمانی که قرینه‌ای نداشته باشیم، لازم است کلام را به معنای ظاهری‌اش حمل کنیم؛ در این روایت نه‌تنها قرینه‌ای برای خلاف ظاهر نداریم،

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/۳۷۵.

۲. دشمنان اهل بیت از مصادیق بارز «اهل‌الریب» و «اهل‌البدع» هستند؛ از جمله بدعت‌های عمر، تحریم دو متعه بود؛ او گفت: «متعتان محللتان کانتا علی عهد رسول الله، أنا أحرمتهما و اعاقب من يفعلهما»؛ احمد بن حنبل، مسند، ۱/۳۵۱ و ۴/۲۹.

بلکه جملات بعدی مانند «القول فيهم و الوقیعة»، نشان می‌دهند که سب در همان معنای واقعی‌اش به کار رفته است. به علاوه، اخباری وجود دارد که نشان می‌دهد اهل بیت علیهم‌السلام در موارد متعددی، دشمنان‌شان را سب کرده‌اند؛ این اخبار - که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود - قرینه‌ای برای صحت حمل به ظاهر در این روایت است.

۲. حسین بن خالد از امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کند که ایشان در خصوص معتقدین به «جبر» و «تشبیه» فرمودند:

فمن أحبهم فقد أبغضنا و... من آهانهم فقد أكرمنا و... من أساء إليهم فقد أحسن إلينا و...<sup>۱</sup>

در تعریف لغوی و اصطلاحی «سب» ذکر شد که «اهانت» یکی از مصادیق این واژه است. امام رضا علیه‌السلام اهانت به معتقدین «جبر» و «تشبیه» را اکرام و بزرگداشت اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند؛ این یعنی اهانت نسبت به این اشخاص، نه تنها مذموم نیست، بلکه ممدوح و پسندیده است.

شاید کسی اشکال کند که اهانت از حیث مصداق اعم است از گفتاری و عملی، در حالی که سب، فقط گفتاری است؛ لذا رابطه آنها عام و خاص مطلق است و ممکن است مراد حضرت فقط اهانت عملی باشد؛ در این صورت این روایت از محل بحث (سب) خارج است.

در جواب می‌گوییم: امام علیه‌السلام به صورت مطلق فرموده‌اند: «من آهانهم...»، بنابراین هم اهانت عملی و هم اهانت گفتاری را شامل می‌شود و در این صورت، مدعای ما را ثابت می‌کند. علاوه بر آن، اهانت گفتاری، مصداق بارزتر و روشن‌تری برای اهانت است؛ پس حتی اگر روایت اطلاق نداشت، قطعاً شامل اهانت گفتاری - که محل بحث ماست - می‌شد.

ممکن است گفته شود که روایت مذکور و امثال آن، که دلالت بر جواز سب می‌کنند، تخصیص می‌خورند؛ اما تخصیص این روایات با روایاتی که نهی از سب

۱. صدوق، محمد بن علی، التوحید، ص ۳۶۴.

می‌کنند، ضربه‌ای به مدعی‌ای ما نمی‌زند. حتی اگر بگوییم که روایات وارده در باب اهانت، مانند روایات وارده در موضوع سب، حرمت سب و اهانت را ثابت می‌کنند و روایات دال بر جواز، آنها را تخصیص می‌زنند، باز خدشه‌ای به مدعی‌ای ما وارد نیست. یعنی اصل اولی بر حرمت اهانت و سب است، مگر آن‌چه با دلیل خاصی خارج شود؛ مثل روایات مربوط به غیبت که حرمت غیبت را ثابت می‌کنند، سپس روایاتی دیگر، مواردی را تخصیص می‌زنند.

۳. روایتی که محمد بن اسماعیل بزيع نقل می‌کند: «مِنْ تَمَامِ الْعِبَادَةِ الْوَقِيْعَةُ فِي أَهْلِ الرَّيْبِ»<sup>۱</sup>.

۴. در کتاب نهج الفصاحة از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمودند: «من أهان صاحب بدعة آمنه الله يوم الفرع الأكبر»<sup>۲</sup>.

این روایت نیز به یکی از وجوه سب (اهانت) اشاره دارد و رجحان سب صاحب بدعت را بیان می‌دارد.

### اجمالی از سیره عملی معصومین عليهم السلام در سب دشمنانشان

از بررسی روایات به دست می‌آید که حضرات معصومین عليهم السلام در مواردی دشمنان خود را سب کرده‌اند و گاهی سب برخی از اصحابشان را تقریر کرده‌اند. این روایات بهترین دلیل برای جواز سب دشمنان می‌باشد؛ زیرا بهترین دلیل بر امکان چیزی، وقوع آن است و این روایات نشان می‌دهند که اهل بیت عليهم السلام علاوه بر سفارش بر سب دشمنان خود، در عمل نیز آنها را سب کرده‌اند.

### سب در سیره عملی رسول خدا ﷺ

۱. در دوران حیات رسول خدا ﷺ نوزادان را برای دعا در حقشان، خدمت آن حضرت می‌بردند. زمانی که مروان متولد شد، او را نیز خدمت رسول الله ﷺ بردند؛

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی، ۳ / ۶۴۴.

۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، ص ۷۲۹.



- حضرت به جای دعا برای او، فرمودند: «أخرجوا عنى الوزغ ابن الوزغ»<sup>۱</sup>.
۲. برخی از تفاسیر ذیل سوره احزاب، پیرامون غزوه بنی قریظه نقل می‌کنند که کعب بن اسید، لشکر اسلام و رسول خدا را شتم کرد؛ پیامبر خدا ﷺ نزدیک قلعه شد و خطاب به آنها فرمود: «یا اخوة القردة و الخنازیر و عبدة الطاغوت، أ تشتمونی؟»<sup>۲</sup>
۳. رسول خدا ﷺ در مورد معاویه و ابوسفیان فرمودند: «لعن الله التابع و المتبوع، ربّ یوم لأمتی من معاویه ذی الاستاء»<sup>۳</sup>.
۴. در جنگ احزاب، بعد از آن‌که عمرو بن عبدود رجزخوانی کرد و مبارز طلبید، رسول خدا فرمود: «مَنْ هَذَا الْكَلْبِ؟»<sup>۴</sup>

### سب در سیره عملی امیرمؤمنان (علیه السلام)

۱. امیرمؤمنان (علیه السلام) خطاب به ابن کواء<sup>۵</sup> فرمود: «یا لکع»؛<sup>۶</sup> خلیل در معنای «لکع» گفته است که این لفظ را به شخص احمق، فرومایه و پست می‌گویند.<sup>۷</sup>
۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: لَمَّا أَبْطَأَ عَلِيٌّ عَنِ النَّبِيعَةِ عَلَى الْأَوَّلِ، أَمَرَ الْأَوَّلُ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ، فَقَالَ: إِذَا سَلَّمَ عَلِيٌّ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ فَاقْتُلْهُ، فَسَلَّمَ الْأَوَّلُ فِي نَفْسِهِ، ثُمَّ نَدِمَ [فَنَادَى يَا خَالِدُ! لَا تَفْعَلَنَّ مَا أَمَرْتُكَ بِهِ، وَ خَالِدٌ إِلَى جَنْبِ عَلِيٍّ؛ فَقَالَ لَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَوْ كُنْتَ فَاعِلاً؟ قَالَ: نَعَمْ؛ قَالَ: أَنْتَ أَضْيَقُ حَلْفَةَ إِسْتٍ مِنْ ذَلِكَ...<sup>۸</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۳۸ / ۸.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۱۸۹ / ۲.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۷۹ / ۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۲۱۶ / ۳۳.

۴. قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۱۸۳ / ۲.

۵. ابن کواء، ابو عمرو، عبدالله بن عمرو، از قبیلۀ بنی یشکر بن بکرو از پیشوایان و سران خوارج در حروراء بود.

۶. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۴۳۷ / ۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۹۵ / ۶.

۷. فراهیدی، خلیل، العین، ۲۰۲ / ۱.

۸. گروهی از نویسندگان، الاصول الستة عشر، ص ۱۸؛ طبری، محمد بن جریر، المسترشد، ص ۴۵۵؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ۹۰ / ۱.

۳. روزی اشعث میان سخنرانی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه گفت:

این سخن شما به زیان شماست؛ حضرت فرمودند:

«تورا به سود و زیان من چه کسی خبر داد؟ لعنت خدا و لعنت کنندگان بر توباد، ای متکبر متکبرزاده، منافق کافرزاده!»<sup>۱</sup>

۴. در ماجرای فدک و رد کردن شهادت حضرت زهرا علیها السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام

خطاب به ابوبکر فرمود: شهادت حضرت زهرا را رد کردی «ثُمَّ قَبِلْتَ شَهَادَةَ أَعْرَابِيٍّ بَائِلٍ عَلَى عَقْبِيهِ عَلَيْهَا، وَأَخَذْتَ مِنْهَا فِدْكَأ»؛<sup>۲</sup> یکی از شهادت دهندگان بر علیه حضرت زهرا علیها السلام اوس بن الحدثان بوده است.<sup>۳</sup>

۵. از آن جا که پدر عمرو عاص ناشناخته بود، برای توهین و تحقیر، او را «ابن

الناغية» می گفتند؛ علی علیه السلام نیز او را با این نام خوانده است: «عَجَبًا لِابْنِ النَّايِغَةِ».<sup>۴</sup>

۶. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف اصحاب رأی، پیروانشان را «اشباه الکلاب»

معرفی می فرماید: «... فَذَلِكَ هُمُ الرِّقَابُ وَأَطَاعَهُمُ الْخُلُقُ أَشْبَاهُ الْكِلَابِ».<sup>۵</sup>

### سب در سیره عملی امام مجتبی علیه السلام

امام مجتبی علیه السلام در پاسخ به مروان حمار، که خطاب به حضرت گفت: شهوت شما بسیار است، فرمودند:

آری، شدت شهوت از زنان ما گرفته شده و در وجود مردان ما قرار گرفته، ولی شدت شهوت از مردان شما گرفته شده و در وجود زنانتان

۱. «مَا يُدْرِيكَ مَا عَلَيَّ مِمَّا لِي عَلَيْكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ الْأَعْيُنِينَ حَائِكُ ابْنُ حَائِكٍ مُنَافِقُ ابْنُ كَافِرٍ...»: شریف رضی (گردآورنده)، نهج البلاغه، خطبه ۱۹.

۲. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ۲/۶۹۴؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ۹۲/۱.

۳. هلالی، سلیم بن قیس، همان، ۲/۶۹۴.

۴. شریف رضی، (گردآورنده)، نهج البلاغه، خطبه ۸۴، ص ۱۱۵.

۵. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، ص ۵۳.

جایگزین شده است! لذا غیر از مرد هاشمی نمی تواند در مقابل زنان اموی قیام کند.<sup>۱</sup>

روزی یزید به امام حسن مجتبی علیه السلام گفت: من از قدیم الایام بغض تورا داشتم و اکنون نیز دارم. امام علیه السلام در جوابش فرمود: ای یزید! بدان که شیطان موقع جماع پدرت با مادرت، با وی شرکت کرد و چون دو آب با یکدیگر ممزوج شدند، تو بغض مرا داری؛ زیرا خدا در قرآن می فرماید: «وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ».<sup>۲</sup>

### سب در سیره عملی امام حسین علیه السلام

۱. سیدالشهداء علیه السلام در روز عاشورا خطاب به لشکریان ابن سعد فرمود:

أَلَا إِنَّ الدَّعَى بِنِ الدَّعَى قَدْ رَكَزَبَيْنِ اثْنَتَيْنِ، بَيْنَ السِّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ

آگاه باشید که فرومایه، فرزند فرومایه (ابن زیاد)، مرا در بین دوراهی شمشیر و ذلت قرار داده است و هیهات است و هیهات که ما زیر بار ذلت برویم.<sup>۳</sup>

۲. در واقعه کربلا زهیر بن قین، که مردی شریف و شجاع و از دلاوران نامی و یاران صمیمی سیدالشهداء بود، پس از خطاب حضرت خطاب به شمر گفت: «یا بن البوال علی عقبیه» (ای پسر بول کننده به پاشنه اش)؛ این عبارت کنایه از این است که پدرت مثل سگ بود و تو هم پسر او هستی؛<sup>۴</sup> این اتفاق در حضور سیدالشهداء علیه السلام رخ داد و تقریر حضرت، بر جواز آن دلالت می کند.

۱. «...أَجَلٌ، نُزِعَتْ مِنْ نِسَائِنَا وَوُضِعَتْ فِي رِجَالِنَا وَنُزِعَتِ الْعُلْمَةُ مِنْ رِجَالِكُمْ وَوُضِعَتْ فِي نِسَائِكُمْ فَمَا قَامَ لِأُمُوِيَةِ إِلَّا هَاشِمِي»؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، ۲۴ / ۴.

۲. «یا یزید، إِنَّ إِبْلِيسَ شَارَكَ أَبَاكَ فِي جَمَاعِهِ ...».

۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، همان، ۲۳ / ۴.

۴. مسعودی، علی، اثبات الوصیة، ص ۱۶۶؛ ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، ص ۵۸ و ۲۴۱؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ۳۰۰ / ۲؛ ابن طائوس، علی بن موسی، اللهوف، ص ۹۷.

۵. ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، ص ۲۱۲.

۳. بریر بن خضیر نیز این جمله را در حضور امام حسین علیه السلام برای شمر به کار می برد؛ ادامه این نقل تاریخی نشان می دهد که امام نه تنها از این عمل نهی نکرده اند، بلکه تأیید هم کرده اند.<sup>۱</sup>

۴. حصین بن تمیم هنگام نماز خواندن سید الشهداء علیه السلام در روز عاشورا گفت: نماز شما قبول نیست. حبیب بن مظاهر در جواب چنین فرمود: «زعمت [أَنَّ] الصلاة من آل رسول الله صلى الله عليه وآله لا تقبل وتقبل منك يا حمار؟»<sup>۲</sup> این جریان در مقابل سید الشهداء اتفاق افتاد و تقریر آن حضرت، دلیل بر جواز است.

۵. در صحنه ای از واقعه عاشورا شمر بن ذی الجوشن با صدای بلند فریاد زد: ای حسین! پیش از روز رستاخیز به آتش شتاب کرده ای؟ حسین علیه السلام فرمود: این کیست؟ گویا شمر بن ذی الجوشن است؟ گفتند: آری؛ حضرت فرمود:

يَا ابْنَ رَاعِيَةِ الْمَعْرِي! أَنْتَ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا؛ ای پسرزن بزچران! توبه آتش افروخته سزاوارتری.<sup>۳</sup>

### سب در سیره عملی دیگر امامان علیهم السلام

۱. در روایتی نقل شده است که عبدالله بن معمر الیثی از امام باقر علیه السلام درباره متعه سؤال کرد؛ حضرت فرمود: رسول خدا و اصحابش به آن عمل کرده اند. عبدالله گفت: عمر از آن نهی کرده است. حضرت فرمود: تو بر قول صاحب خود باش و من بر قول رسول الله. عبدالله گفت: خوش دارید کسی با نوامیس شما متعه کند؟ آن حضرت فرمود:

مَا ذَكَرُ النَّسَاءِ هَاهُنَا يَا أَنْوَكُ؛ ذکر زنان در این جا دخیلی ندارد، ای احمق.<sup>۴</sup>

۱. حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب، تسلیة المجالس، ۲/ ۲۶۸.

۲. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، همان، ص ۲۳۰.

۳. همان، ص ۲۰۵.

۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ۲/ ۱۴۹.

سدیر صیرفی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: در قائم شباهتی به یوسف علیه السلام وجود دارد. گفتم: گویا حیرت او یا غیبت او را یاد می کنید؛ فرمود: این امت همانند خنازیر، چگونه آن را انکار می کنند؟<sup>۱</sup>

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

بهترین توشه ای که شخص دانشمند دوستدار ما برای روز فقر و نیاز و ذلت خود ذخیره می کند، حمایت علمی از دوستان ناتوان ما و نجات ایشان از چنگال دشمنان خدا و رسول او است. [در این صورت] وقتی از قبر برخیزد صفوف فرشتگانی را مشاهده کند که از محل قبر تا جایگاهش در بهشت برین صف کشیده اند و او را با بال های خود بلند کرده و به عمارت مخصوصش در بهشت حمل می کنند و به او می گویند: آفرین بر تو! يَا دَافِعَ الْكِلَابِ عَنِ الْأَثَرِ وَيَا أَيُّهَا الْمُتَعَصِّبُ لِلْأَيِّمَةِ الْأَخْيَارِ.<sup>۲</sup>

امام عسکری علیه السلام در شهادت پدر بزرگوارشان از شدت مصیبت، گریبان چاک دادند؛ در این هنگام برخی بر عمل حضرت خرده گرفتند. ابن عون نامه ای به آن حضرت نوشت و پرسید که آیا کسی چنین فعلی از امامان دیده است؟ حضرت در جواب نامه نوشتند: «یا احمق، ما یدریک ما هذا، قد شقّ موسی علی هارون».<sup>۳</sup>

در زیارت ناحیه مقدسه که بر زبان مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف جاری شده، آمده است:

السلام علی قتیل الأدعیا؛ سلام بر کشته شده به دست زنازادگان.<sup>۴</sup>

این موارد، نمونه هایی از سیره اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با دشمنانشان بود. از سیره

۱. «مَا تُنْكِرُ مِنْ ذَلِكَ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَشْبَاهُ الْخَنَازِيرِ...»: صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۳۴۱/۲.

۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ۲۰/۱.

۳. مسعودی، علی، اثبات الوصیة، ص ۲۴۴؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۸۵/۷۹؛ نوری، مستدرک الوسائل، ۴۵۸/۲.

۴. ابن مشهدی، محمد، المزار الکبیر، ص ۴۹۸.

عملی معصومان علیهم السلام، دست کم جواز سب پنهانی و غیر آشکار فهمیده می شود؛ زیرا در تمام این موارد، خطاب ها در مقام بیان عیب و نقص، همراه با تحقیر طرف مقابل است. قبل از نتیجه گیری، به بیان دیدگاه برخی فقهای امامیه - قدما و متأخرین - پرداخته می شود.

### دیدگاه بعضی از فقهای امامیه در موضوع سب

پس از اثبات جواز سب، به بررسی دیدگاه برخی از فقها در این موضوع می پردازیم:

- **شیخ مفید:** سخن شخصی به مسلمان که تو خسیس، پست، بی خرد (و بی شرم)، خوار، نجس، پلید، سگ، خوک، مسخ شده و مشابه آنها هستی، موجب تعزیر و تأدیب است و حد محدودی ندارد. اگر شخصی که این کلمات درباره او گفته شده است، به سبب گمراهی اش از حق مستحق استخفاف باشد، گوینده تأدیب نمی شود، بلکه به سبب خوار کردن او ثواب هم می برد.<sup>۱</sup>

شیخ مفید سب گمراهان از حق را نه تنها حرام نمی داند، بلکه قائل به ثواب برای آن است.

- **ابوالصلاح حلبی:** اگر مسلمانی شخص دیگری را به آن چه به آن مشهور است و اعتراف به عملش دارد، مثل کفر و فسق، قذف کند، چیزی براو نیست، بلکه مسلمان به وسیله این کار، بندگی هم می کند.<sup>۲</sup>

- **شهید اول:** فردی که به دلیل ناراحتی، شخصی را که عمل زشتش پنهانی بوده سب کند، آن هم به کلماتی همچون فاسق و شارب خمیر یا با کلماتی همچون خوک، سگ، حقیر، پست و... تعزیر می شود، مگر این که شخص مخاطب، مستحق این کوچک شدن باشد.<sup>۳</sup>

۱. مفید، محمد بن محمد، المقنعة، ص ۷۹۶.

۲. حلبی، ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، ص ۴۱۸.

۳. شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة، ص ۱۶۸.

• شیخ انصاری: شیخ پس از اثبات حرمت سب، عده‌ای مانند مؤمن متظاهر به فسق و هم‌چنین بدعت‌گذار را از این حکم خارج می‌کند و سب آنها را جایز می‌داند؛ بنا بر روایتی از رسول خدا ﷺ که برائت از اهل بدعت و سب آنان را جایز می‌داند.<sup>۱</sup>

• فاضل هندی: اگر شخصی مستحق استخفاف باشد، به سبب کفر باشد یا بدعت‌گذاری یا تجاهر به فسق، تعزیر از سب‌کننده او ساقط می‌شود، بلکه سب او اجرهم دارد؛ چرا که نهی از منکر است و نقل شده است که یکی از کامل‌کننده‌های عبادت، سب و بدگویی از اهل بدعت است که خداوند ثواب و اجر می‌دهد و درجات گوینده را بالا می‌برد.<sup>۲</sup>

• امام خمینی: اگر شخصی به دیگری بگوید: تو حرام‌زاده هستی، یا ای حرام‌زاده، یا ای فرزند حیض، یا به همسرش بگوید: من تو را دوشیزه نیافتم، یا بگوید: ای فاسق، ای فاجر، ای شارب الخمر و امثال این‌ها از چیزهایی که موجب استخفاف دیگری است، در حالی که طرف مستحق نباشد، تعزیر دارد نه حد و اگر شخص مستحق باشد، موجب چیزی نمی‌شود.<sup>۳</sup>

هم‌چنین ایشان در جای دیگری می‌فرمایند:

لا شبهة في عدم احترامهم بل هو من ضروري المذهب كما قال المحققون. بل الناظر في الأخبار الكثيرة في الأبواب المتفرقة لا يرتاب في جواز هتكهم و الوقعة فيهم، بل الأئمة المعصومون أكثرها في الطعن و اللعن عليهم و ذكر مساوئهم، فعن أبي حمزة عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: «قلت له: إن بعض أصحابنا يفترون و يقذفون من خالفهم، فقال: الكف عنهم أجمل، ثم قال: يا أبا حمزة، إن الناس كلهم أولاد بغاة ما خلا شيعةتنا.» و الظاهر منها جواز الافتراء و القذف عليهم لكن الكف أحسن و أجمل، لكنّه مشكل إلا في بعض الأحيان، مع أنّ السيرة

۱. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، ۱/ ۲۵۵.

۲. فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، ۱۰/ ۵۲۳.

۳. خمینی، روح الله، تحریر الوسیلة، ۲/ ۴۷۴، مسئله ۸.

أيضاً قائمة على غيبتهم، فنعم ما قال المحقق صاحب الجواهر:  
إنّ طول الكلام في ذلك كما فعله في الحقائق من تضييع العمر في  
الواضحات.<sup>۱</sup>

• آیت الله شیخ جواد تبریزی: حرمت سبّ، یعنی سبّ مؤمن، به سبب حفظ کرامت اوست؛ پس اگر شخصی که سبّ می شود، کرامت و احترامی نداشته باشد، حرام نخواهد بود؛ مثل متجاهر به فسق، طبق آن چه در بحث غیبت خواهد آمد؛ چراکه اقتضای جواز غیبت او جواز سبّش است؛ اما وجوب سبّ از جهت امر به معروف و نهی از منکر مشروط به شروط ذکر شده در آن باب (امر به معروف) است.<sup>۲</sup>

### نتیجه گیری

حاصل بررسی و تحلیل مجموع آیات و روایات این است که اصل اولی در «سبّ»، حرمت است، مگر آن چه با دلیل خاصی خارج شود؛ نظیر غیبت که در عین حرام بودنش مستثنیاتی نیز دارد. از جمله مواردی که از این اصل خارج اند، سبّ دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. هیچ یک از آیات قرآن دلالت بر عدم جواز اصل سبّ دشمنان اهل بیت علیهم السلام ندارد، بلکه قرآن سبّ پنهانی و غیر آشکارا را جایز می داند و دشمنان اهل بیت علیهم السلام از افرادی هستند که در قرآن مورد سبّ واقع شده اند. هم چنین روایاتی که نهی از سبّ می کنند، دلالت بر عدم جواز به صورت مطلق ندارد، بلکه قابل جمع با روایات متعدد دال بر جواز سبّ می باشند. به علاوه، در سیره ائمه معصومین علیهم السلام، سبّ دشمنانشان وجود دارد. نتیجه این که از مجموع آیات و روایات، جواز بلکه رجحان سبّ استفاده می شود. مؤید این دیدگاه، فتوای تعدادی از فقهای بزرگ شیعه است؛ ایشان افرادی را از حکم حرمت سبّ استثناء کرده اند که دشمنان اهل بیت علیهم السلام از مصادیق بارز و روشن آنها هستند.

۱. همو، المكاسب المحرمة، ۱/ ۳۸۰.

۲. تبریزی، جواد، إرشاد الطالب، ۱/ ۱۶۱.



یکی از مهم‌ترین نکات این نوشته، شفاف‌سازی و تبیین فرق میان فحش و سب است؛ در بسیاری از اشکالات مسئله سب، این سؤال وجود دارد که چگونه می‌شود اهل بیت عصمت، که در اوج قله ادب و اخلاق هستند، امر به سب کنند! با مشخص شدن فرق فحش و سب - که در بخش مفاهیم به آن پرداخته شده - تا حدود زیادی این مسئله قابل پذیرش می‌شود؛ زیرا سب دشمنان اهل بیت و صاحبان بدعت و ضلالت که شأنشان «كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» و «الْحَس من الكلب» است، مذموم و خلاف ادب و اخلاق نیست. آیا اگر شما برای راندن یک سگ از کلمه «چخ» «اِحْسُوا» استفاده کنید، کسی شما را متهم به انجام عمل خلاف ادب و اخلاق می‌کند؟! این افراد به تصریح آیات و روایات، شأنی به مراتب پایین‌تر از حیوانات دارند و چه بسا حفظ شأن آنان در حد و اندازه یک انسان معمولی، مذموم باشد؛ به عنوان مثال، برخورد مؤدبانانه و محترمانه با یک حیوان - مانند این که برای کنار زدن او از وسط خیابان مثل یک انسان با او برخورد شود و همراه با عذرخواهی و رعایت ادب از او خواسته شود - شما را در موضع اتهام به جنون قرار می‌دهد و قطعاً عرف جامعه، این نوع احترامات را مذموم می‌شمارد؛ این حکم در مورد موجودی که نزد خدای متعال از حیوان پست‌تر است نیز جاری می‌شود.

کتاب‌ها

قرآن کریم

- نهج البلاغة، گردآوری شریف رضی، تصحیح صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، عوالي اللثالی العزیزیه، تصحیح مجتبی عراقی، چاپ اول: دار سید الشهداء للنشر، قم، ۱۴۰۵ ق.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، چاپ اول: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
- ابن شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل، الروضة فی فضائل أمیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تصحیح علی شکرچی، چاپ اول: مکتبه الامین، قم، ۱۴۲۳ ق.
- ابن طائوس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه فهری، چاپ اول: جهان، تهران، ۱۳۴۸ ش.
- محمدحسن محرز، چاپ اول: دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، چاپ اول: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۹ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح جمال الدین میردامادی، چاپ اول: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، تصحیح محمد هادی یوسفی غروی، چاپ سوم: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب، چاپ اول: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۴۱۵ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تصحیح جلال الدین محدث، چاپ دوم: دارالکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
- پابنده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، چاپ چهارم: دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- تبریزی، جواد بن علی، إرشاد الطالب إلی التعلیق علی المکاسب، چاپ سوم: مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۶ ق.
- جزائری، سید نعمت الله بن عبدالله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، چاپ اول: مؤسسه التاريخ العربی، بیروت، ۱۴۲۷ ق.
- جمعی از علما، الأصول الستة عشر، چاپ اول: دار الشبستری للمطبوعات، قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، چاپ اول: مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ق.

- حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب، تسلیة المُجالس وزینة المَجالس، تصحیح کریم فارس حسون، چاپ اول: مؤسسه المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۸ ق.
- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة، چاپ اول: مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم.
- صدوق، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم: دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق.
- ، صفات الشیعة، چاپ اول: أعلمی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ ق.
- ، علل الشرائع، چاپ اول: کتابفروشی داوری، قم.
- ، معانی الأخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تصحیح محمد باقر خراسان، چاپ اول: نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم: انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب، تصحیح احمد محمودی، چاپ اول: کوشانپور، قم، ۱۴۱۵ ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تصحیح احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم: کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تصحیح حسن خراسان، چاپ چهارم: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- ، رجال الطوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۲۷ ق.
- ، مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، چاپ اول: مؤسسه فقه الشیعة، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
- ، الفهرست، تصحیح عبدالعزیز طباطبائی، چاپ اول: مکتبه المحقق الطباطبائی، قم، ۱۴۲۰ ق.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، اللعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، تصحیح محمد تقی مروراید و علی اصغر مروراید، چاپ اول: دار التراث - الدار الإسلامیة، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
- فاضل ہندی، محمد بن حسن، کشف اللثام والإبہام عن قواعد الأحکام، چاپ اول: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۶ ق.
- فراہیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم: نشر ہجرت، قم، ۱۴۱۰ ق.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۱۲ ق.

قطب‌الدین راوندی، سعید بن عبدالله، دعوات الراوندي - سلوة الحزين، چاپ اول: مؤسسه آل‌البيت، قم، ۱۴۰۷ ق.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح طیب موسوی جزائری، چاپ سوم: دار الكتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.

کشای، محمد بن عمر، رجال کشی، چاپ اول: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۹۰ ق. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم: دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.

لنکرانی، محمدفاضل، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، چاپ اول: مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، ۱۴۲۶ ق.

مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی، تصحیح ابوالحسن شعرانی، چاپ اول: المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ق.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، چاپ اول: مؤسسه الطبع والنشر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.

مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، لوامع صاحبقرانی، چاپ دوم: مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ ق.

مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، در یک جلد.

مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، تصحیح آصف فیضی، چاپ دوم: مؤسسه آل‌البيت، قم، ۱۳۸۵ ق.

مفید، محمد بن محمد، المقنعة، چاپ اول: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه، قم، ۱۴۱۳ ق.

-----، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، چاپ اول: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفي الشيعة، چاپ ششم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۷ ق.

نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر)، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم: دار احیاء التراث العربی، بیروت.

نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، چاپ اول: مؤسسه آل‌البيت، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالي، تصحیح محمد انصاری زنجانی خوئینی، چاپ اول، الهادي، قم، ۱۴۰۵ ق.

## مقالات

جوادی آملی، عبدالله، «فلسفه تولی و تبری از نگاه قرآن و روایات»، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۲۵، دی ۱۳۸۷.

فرج‌پور، حامد، «بررسی لعن در قرآن و سنت»، فصلنامه امامت پژوهی، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۱.

## تأمل في جواز سب أعداء أهل البيت عليهم السلام و عدمه

حميد السعادي<sup>١</sup>

### الخلاصة:

السب من جملة طرق الإفصاح عن التبري والإشتمزاز من أعداء أهل البيت عليهم السلام. هذا التحقيق يسعى لدراسة جواز السب و عدمه.

حصيلة دراسة الأدلة القرآنية و الروائية، جواز و مشروعية بل رجحان سب أعداء أهل البيت عليهم السلام. ثم إن سيرة المعصومين العملية في سب أعدائهم تستفاد من روايات تلفت النظر. من نتائج هذا التحقيق هو أن للسب مفهوماً عاماً يشمل كل أنواع التحقير و التنقيص اللفظي الذي يفهمه العرف ولكن مع هذا فهو يمتاز عن الفحش.

لا يخفى أن هذه الطريقة للإفصاح عن التبري لا تجوز في مقام التقية كالبعض من طرقه الأخرى مثل اللعن. تم دراسة مسألة سب أعداء أهل البيت عليهم السلام في هذا التحقيق و لم تلاحظ فيه التقية و سائر المصالح الذات أهمية أكبر.

الكلمات المفتاحية: السب، الشتم، اللعن، التبري، أعداء أهل البيت عليهم السلام

## A Study on Permissibility or Prohibition of Using Sab Against the Foes of Ahl-Ul-Beit

Hamid Sadati <sup>1</sup>

### Abstract

“sabb<sup>2</sup>” is one of the methods of showing abhorrence and dissociation to the foes of Ahl-Ul Beit. The current study investigates permissibility or prohibition of “sabb”. A careful analysis of evidence from Quran and hadith shows that “sabb” is not only permissible but preferred course of action in the face enemies of Ahl-Ul Beit. Moreover, the biography of Infallible Imams shows they indeed resorted to “sabb” when faced with their enemies. The results of the current study show that “sabb” has a broad meaning inclusive of all forms of contempt, verbal belittling, known to the public. However there exists a clear margin between “sabb” and swearwords.

It is worth mentioning that this method of showing dissociation is not appropriate when a person dissimulating. The present study investigates the issue of “sabb” for enemies, and it does not investigate dissimulation and other issues like expediency.

**Key words:** “sabb”, curse, swear, dissociation, enemies of Ahl-Ul-Beit.

---

1. Graduate of Qom Islamic Seminary. saadati.hamid1360@gmail.com.

2. “sabb” is a term used by Imams to show dislike and abhorrence towards their enemies. “sabb” includes a wide range of actions from cursing, treating the enemies coldly, to verbally attacking the enemies etc. “Sabb” was later used as a general behavioral approach that companions of Ahl-Ul Beit took towards the enemies showing them dislike, abhorrence etc.